

بررسی مداخله دادگاه در داوری در حقوق ایران

روح الله انصاری^{۱*}، علی پور جواهری^۲، قوام کریمی^۳

^۱ دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

چکیده

داوری عبارت است از حل اختلاف فعلی یا آتی بدون مداخله قوه قاهره یا همان مراجع رسمی در برگزاری و اجرای آن؛ اما تصور نهاد داوری بدون قوه قاهره، یا تصور داوری بدون دادگاه چندان خوشایند نیست. با این فرض کارکرد داوری تنزل یافته و ضمانت اجرایی به غیر از تعهدات اخلاقی نخواهد داشت. در این صورت توسل به داوری و تلاش جهت اخذ حکم از نهاد داوری بیهوده خواهد بود. پس مداخله دادگاه در داوری ضروری است، چرا که داوران به کمک و مساعدت دادگاه در برگزاری و اجرای درست داوری و مساعدت در شناسایی و اجراء آراء صادره از داوری نیاز دارند. دخالت دادگاهها در امر داوری می تواند قبل از جریان داوری، در جریان داوری و یا حتی پس از صدور رأی داور باشد. در هر مرحله، این دخالت که ممکن است نظارتی یا مساعدتی باشد بخش مهمی از رسیدگی دادگاه ها را در فرایند داوری تشکیل می دهد. مداخله دادگاه در داوری های داخلی نیز گسترده تر از داوری های تجاری بین المللی می باشد، داوری بدون حدی از مداخله دادگاه نمی تواند به حیات خود ادامه دهد؛ اما این دخالت باید مرز بندی و تحدید شود و گرنه ممکن است به ابزاری جهت دوری از هدف ارجاع امر به داوری مبدل شود. در تحقیق حاضر سعی شده است اولاً میزان و حدود مداخله دادگاه در هر مرحله به تفکیک، داوری داخلی و داوری بین المللی تجاری بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ثمره اصلی تحقیق، مشخص کردن حدود مداخله دادگاه در امر داوری خواهد بود چراکه معشوق اصلی افراد درمراجعه به داوری آگاهی از میزان مداخله دادگاه در داوری است که هر چه مداخله کمتر باشد رجوع به داوری بیشتر خواهد بود

واژه‌های کلیدی: دخالت دادگاه، داوری، قرارداد، صلاحیت.

مقدمه

بدون تردید تصویب قانون داوری و ایجاد نهاد و سازمان های داوری از جمله در کشور ما با هدف عدم مراجعه به دادگاهها و عدم مداخله دادگاه صورت گرفته، مقنن با تبعیت از قانون داوری نمونه آنسیترال و برداشت‌هایی از سایر قوانین موجود در کشورها، تلاش در نیل به این هدف نموده، لیکن همانگونه که قوانین داوری در کشورهای مختلف در مواردی خاص به دادگاه‌های اجازة داده اند به عنوان مرجع نظارتی-حمایتی در امر داوری مداخله نمایند. بناچار در بعضی موارد با علم به فقدان توان و قدرت اجرایی، ایضاً وقوف بر ضعف های موجود در این خصوص جواز ورود و مداخله دادگاه را در موارد مشخص صادر نموده، دخالت دادگاهها در امر داوری با هر نیت و دلیلی اعم از اینکه حمایتی باشد یا نظارتی ممکن است موجب خلل و اطاله در جریان داوری گردیده به خصیصه اصلی داوری که همانا سرعت در رسیدگی و حل و فصل دعاوی است خدشه وارد نموده، اصحاب دعوی را از هدف واقعی شان دور نماید (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۷۵).

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال آن باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد.

هرگاه یکی از طرفین دعوی نسبت به این موضوع دچار شک و تردید گردد احساس نماید که داور یا یکی از داوران رفتار عادلانه را رعایت نمی نماید، یا شرایط و علم و اطلاعات مندرج در موافقتنامه داوری را دارا نمی باشد، می تواند مراتب را وفق قانون به داور اعلام نماید. اعلام نظر داور و تصمیم داور در خصوص جرح در صورتی که دایر بر رد جرح باشد ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صلاحیتدار می باشد، آنچه قابل ذکر و دقت است اینکه در راستای اعمال جرح و انجام تشریفات آن، بناچار باید بین داوری سازمانی و موردی قائل به تفکیک گردید که بطور خلاصه تشریح می گردد.

اصولاً استناد به جرح و ایراد به صلاحیت داور از حیث شرایط عمومی و تخصصی در ابزار نظریه و اتخاذ تصمیم قانونی و عدم رعایت اصل بیطرفی در داوری سازمانی کمتر به وقوع پیوسته، اتکاء به یک موسسه داوری و نه یک یا چند نفر داور و از سویی تخصص و دانش گروههای رسیدگی کننده و از سویی دیگر گاهاً عدم اطلاع از نام و اسامی داوران، به عبارتی معرفی نشدن اعضا تا قبل از صدور رأی، موضوع جرح داوران را منتفی می نماید. هر چند در این نوع از داوری امکان تعویض و جایگزینی داوران مورد جرح از سوی سازمان، بدون مراجعه به دادگاه وجود دارد.

بنظر آنچه در قانون به عنوان مصادیق و موارد جرح ذکر گردیده است در داوری موردی و شخصی پدید آمده، بشرح آنچه در سطور بالا ذکر گردیده، عدالت در رسیدگی و رعایت اصل بیطرفی و حمایت از حقوق طرفین، اقتضای آن دارد که افراد با توسل به این شیوه از حقوق مشروع و قانونی خویش دفاع نمایند، لیکن در عمل منجر و منتج به مداخله دادگاه خواهد شد. عمده‌تاً در جریان داوری بنا بر دلایل مختلف، تعویض و جایگزینی داوران بر جریان داوری عارض گردیده، هر چند در داوری های سازمانی چنین شرایطی مشکل خاصی ایجاد نمی نماید، مثلاً در بند های ۱ و ۲ ماده ۱۲ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی، فوت، قبول استعفا، او، موفقیت آمیز بودن جرح، ... یا امتناع داور از انجام وظایف خود که براساس قواعد داوری اتاق بازرگانی و یا توافق طرفین به عهده وی نهاده شده است (مصلحی، ۱۳۷۸: ۲۵۷).

لیکن در داوریهای موردی در صورت عدم توافق طرفین، مراجعه به دادگاه و درخواست رسیدگی در خصوص تحقق موارد قانونی از قبیل، ناتوانی و ... و نهایتاً تعیین داور جایگزین وفق مواد ۱۴ و ۱۵ اجتناب ناپذیر است.

هر چند صلاحیت رسیدگی به صلاحیت داوران، پس از طرح ادعاهایی نظیر عدم وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری یا بطلان یا عدم فسخ قرارداد و ... از ناحیه یکی از طرفین، برعهده شخص یا هیأت داوری یا سازمان و نهاد داوری می باشد، قانون و رویه اکثر کشورها بدین منوال بوده است. اکثر حقوقدانان کامن لا معتقدند که راه حل مناسب این است که داور بتواند با استناد به خود شرط داوری صلاحیت خود به رسیدگی را اعلام کند (اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

در قانون داوری کشور ما نیز داور وفق بند ۱ ماده ۱۶ رأساً به این موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم می نماید. لیکن وفق بند ۳ همین ماده، برغم آنکه بشرح سطر ذیل آن، «... مادام که در خواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است داور می تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.» با اخذ چنین تصمیمی، رسیدگی داوری کماکان ادامه می یابد، پس از اظهارنظر

داور نسبت به صلاحیت خود، هر یک از طرفین خواهند توانست نسبت به رأی داور در خصوص احراز یا عدم احراز صلاحیت خود، در دادگاه کشور محل صدور تصمیم اعتراض نمایند و از آن دادگاه درخواست نمایند تا موضوع را رسیدگی کرده و تصمیم بگیرد. بدین صورت که وفق بند ۳ ماده ۱۶ قانون داورى «... هر یک از طرفین می تواند ظرف ۳ روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است داور می تواند به رسیدگی ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.» البته نکته دیگری که در این خصوص قابل ذکر است اینکه، در صورت انکار موافقت نامه داورى یا ادعای عدم اعتبار آن از سوی یکی از طرفین، تعیین مرجع صالح رسیدگی به این اختلاف می تواند موجبات مداخله دادگاه را فراهم نماید (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

سوابق مربوط

در حقوق موضوعه ایران در مورد بررسی موضوع تحقیق، گرچه هنوز چالش های زیادی وجود دارد بررسی این تحقیق دارای روشی که نسبت به انواع روشهای بررسی تحقیق جدید تر است و علیرغم اینکه از آن استفاده می شود تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و تحقیق انجام شده از نظر فقهی و حقوقی بیشتر درباره مسائل مربوط به روش های تحقیقاتی که در ضمن بحث اصلی به موضوع پرداخته اند عبارتند از:

۱- در کتاب آیین دادرسی مدنی چنین بیان شده است: لازم به ذکر است که در یک استان ممکن است چند کمیسیون حل اختلافات تشکیل شود. صلاحیت رسیدگی به آراء هیات تشخیص به عنوان مرجع تجدید نظر خصوصاً در مورد شکایات مربوطه به تغییرات عمده در شرایط کار که توسط هیاتهای تشخیص نظر داده می شود و همچنین تشخیص اینکه کارفرما موجب تعلیق قرارداد کار از ناحیه کارگر شده است یا خیر صلاحیت دارند. در رأس هرم مراجع حل اختلاف کار، «شورای عالی کار» قرار دارد که نقش عمده ای در تدوین مقررات کار و نیز ایجاد وحدت رویه دارد و از آنجا که به حل اختلاف نمی پردازد از بحث آیین دادرسی خارج می باشد (شمس، ۱۳۸۲: ۴۵).

۲- در کتاب آیین دادرسی مدنی چنین بیان شده است: از مجموع تبصره ماده ۲۵، ماده ۲۷ و چند ماده دیگر چنین بر می آید که رسیدگی به کلیه اختلافات ناشی از قانون کار، تعیین نوع قرارداد کار (مثلاً با مدت معین، بدون مدت معین، برای کار معین و ...)، تشخیص قصور کارگر در انجام وظایف محوله، اجرای قانون کار و سایر مقررات، نظارت بر قرارداد کارآموزی بین کارفرما و کارآموز، نظارت بر موافقت نامه های دسته جمعی و ... آراء صادر شده ظرف ۱۵ روز قابل تجدید نظر در هیات حل اختلاف کار است (مدنی، ۱۳۸۱: ۷۵).

۳- در کتاب قانون شهرداری ها چنین بیان شده است: رسیدگی شکلی به آراء قطعی هیاتهای حل اختلاف مالیاتی که از لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه و یا نقص رسیدگی مورد شکایت مؤدی یا ممیز کل واقع شده باشد، این شورا به عنوان مرجع عالی مالیاتی، در تنظیم مقررات و رویه مالیاتی نیز نقش مؤثرتری دارد. برخی از امور را شبعات شورا و بعضی از مسائل را خود شورا مورد بررسی قرار می دهد. رأی شورای عالی مالیاتی قابل تجدید نظرخواهی در دیوان عدالت اداری است (منصور، ۱۳۸۳: ۲۵).

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

۱- مداخله دادگاه در داورى در حقوق ایران چگونه تعریف شده است؟

سوالات فرعی:

- ۱- آیا نظر داور به نام سازش نامه، رأی محسوب می شود؟
- ۲- آیا با فوت داور می شود دادگاه اقدام به تعیین داور نماید؟

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی:

۱- قانونگذار صریحاً اعلام نکرده که می تواند به طور مستقیم در داوری مداخله کند در حالی که با تعیین شرایط تعیین داور دخالت غیر مستقیم دارد.

فرضیه فرعی:

۱- الف- در صدور حکم ممکن است به دعوا خاتمه داده شود ولی خصومت پایان نمی یابد. در حالی که در سازش خصوصیت باقی نمی ماند.

ب- در هر صورت حکم صادره توسط محاکم قضایی مورد قبول فرد شکست خورده دعوا نیست در صورتی که در سازش، طرفین مطلبی را که با هم سازش کرده اند عمل و اجرا می کنند.

۲- اما فوت داور در داوری تعیین کننده داور توسط دادگاه نمی باشد چرا که داوری مبتنی بر مصالحه و سازش است.

معنای لغوی داوری

داور در اصل از کلمه دات به معنای حق و حقوق مأخوذ شده است چنانچه در ماتیکان هزار داتسان به داوران داوران گفته می شد (پور داود، ۱۳۷۵: ۱۶۰)؛ و در اثر کثرت استعمال تبدیل به دابر و از آن پس به داور بر وزن خاور مبدل گشت (پادشاه، ۱۳۷۱: ۹۲). داور به معنای خدا (نفیسی، ص ۱۴۵۸)، یا شخصی که بین نیک و بد حکم باشد و انصاف دهنده استعمال شده است. همچنین داور را به معنای دوا و درمان گفته اند.

داوری به معنی حکومت و قصد معامله و به معنی فصل خصومت و جنگ و شکایت و محاکمه از برهان استعمال شده است. ادبیات فارسی با واژه داوری کاملاً آشنا بوده است و داوری در ابیات شعرای پارسی زبان به معنای رأی و قضاوت کردن آمده است. چنانچه حافظ می گوید^۱:

لاله ساغر گیر و نرگس مست و بر ما نام فسق داوری دارم بسی یا رب کرا داور کنم
و نظامی در دیوان خود می گوید:

کسی را که دولت کند یاوری که یارد که با وی کند داوری

تعریف اصلاحی و حقوقی داوری

معنای اصطلاحی داوری قریب به معنای لغوی آن است و در زبان فارسی به معنای احقاق حق و ترافع آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۸۸). در واقع داوری یک نوع دادرسی غیر دولتی و غیررسمی است؛ که به وسیله داور یا «قاضی خصوصی» انجام می شود و به آن داوری گویند (صدر زاده افشار، ۱۳۷۳: ۴۰۸).

به عبارت دیگر افرادی می توانند در دعاوی مربوط به حقوق و منافع خصوصی خودشان از اقامه دعوا نزد مراجع رسمی صرف نظر کرده و دعوی خود را به افراد مورد اعتماد و متخصص ارجاع دهند که به این حکومت خصوصی داوری یا «حکمت» گویند (دفتری، ۱۳۸۱: ۷۶).

داوری یا مراجعه افراد جهت حل و فصل دعاوی به اشخاص مرضی الطرفین دارای پیشینه تاریخی روشنی می باشد. داوری هر چند به شکل قانونی برای اولین بار در مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری آمده بود و در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و یا قوانین خاص داوری، هیچ گونه تعریفی از داوری ارائه نشده است. برای اولین بار تعریف داوری در قانون تجاری بین المللی ایران مصوب ۱۳۷۶/۷/۹ آورده شد. در

^۱ -حافظ، شمس الدین محمد؛ دیوان حافظ، چاپ اول، به اهتمام احمد مجاهد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بند الف ماده یک قانون مذکور آمده است که «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی».

ماهیت حقوقی قرارداد داورى

در مورد ماهیت قرارداد داورى نظرات متفاوتی ابراز شده است، چنان که قرارداد داورى را وکالت، تصالح، تشارط و یا عقد تحکیم ذکر کرده اند. گروهی داورى را نوعی وکالت می دانند و معتقدند که اصحاب دعوا به داور وکالت می دهند تا اختلاف آنها وکالتاً حل و فصل گردد، اما باید گفت که این نظر صحیح نبوده، چرا که داور یک قاضی است و قاضی به رأی ضرورتاً و طبق قضا باید مستقل باشد. به عبارتی داور باید براساس عدل و انصاف و به دور از جانبداری رأی صادر نماید. در حالی که وکیل در انجام وظایف خود اولاً باید در محدوده اختیارات اعطایی از طرف موکل حرکت نماید و ثانیاً می بایست در تمامی اقدامات خود رعایت غبطه و مصلحت موکل خود را بنماید، در حالی که داور به دنبال رعایت مصلحت نبوده و طبعاً یکی از طرفین در داورى باید ضرر ببیند، استدلال به این مسئله که چون داورى مثل وکالت با فوت یا حجر از بین خواهد رفت دلیلی براینکه داورى ماهیت وکالتی دارد نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۴)

الف) داورى و دادرسى

دادرسی عبارت است از یک فرآیند پیچیده به همراه مجموعه ای از قواعد برای رفع اختلاف و فصل خصومت از طریق مراجع رسمی و در واقع یکی از شاخه های حاکمیت و از حقوق حکومت است؛ به عبارت دیگر دادرسی یکی از شاخه های علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد کلی دادرسی از ابتدا تا اجرای رأی می باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۲۷۳). حقوق دانان آئین دادرسی را این گونه تعریف نموده اند که آیین دادرسی، یا دادرسی عبارت است از مجموعه مقررات و تشریفات که باید از طرف افراد در حین مراجعه به محاکم برای دادخواهی و قضات و اشخاص وابسته به دستگاه قضا در طول دادرسی رعایت گردد (صدر زاده افشار، ۱۳۷۳: ۱۸۵۴)

ب) داورى و توکيل

وکالت اسم مصدر از توکيل است و در لغت به معنای تفویض کردن و واگذار نمودن آمده است؛ ماده ۱۱۴۹ مجله العدلیه، وکالت را چنین تشریح نموده است «الوکاله تفویض احد امره الآخره و اقامته مقامه». این تعریف جامع نیست چرا که ظاهراً وکالت به معنای عام در آن لحاظ شده است نه تعریف وکالت اصطلاحی نزد فقها، در حالی که در نزد فقها شیعه وکالت تعریف شده است به اینکه «الوکاله و هی استنباه فی التصرف» یعنی وکالت نیابت در تصرف است. همچنین قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه در ماده ۶۵۶ گفته است «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید» بنابراین طبق تعریف فقها و قانون مدنی وکالت اولاً عقد است و ثانیاً از عقود غیر معوض می باشد. این امر وکالت را از اجاره اشخاص که اجرت، عوض قرار می گیرد متمایز می کند، وکالت چون یکی از عقود معینه در قانون مدنی است می بایست علاوه بر داشتن شرایط ماده ماده ۱۹۰ قانون مدنی شرایط خاص عقد وکالت را داشته باشد (امیر معزی، ۱۳۸۷: ۹۱).

ج) داورى و سازش

یکی از طرق حل اختلاف سازش می باشد. در واقع سازش عبارت است از تراضی طرفین دعوی بر فیصله نزاع معین؛ سازش همان عقد صلح است که در فقه به سید العقود یا سد الاحکام مشهور است. قانون مدنی به تبعیت از فقه مواد ۷۵۲ الی ۷۷۰ خود را به عقد صلح و شرایط آن اختصاص داده است و به همین دلیل بجز قواعد عادی سازش در آیین دادرسی مدنی شرایط صحت مورد صلح و اهلیت متصالحین و سایر ارکان عقد باید در آن رعایت شود. ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی قدیم سازش در دادگاه بخش را پیش بینی نموده بود. سازش ممکن است قبل از طرح دعوا باشد که مصداق آن ماده ۳۳۵ ق.ق. بود و ممکن است پس از طرح دعوا و در تمامی مراحل دادرسی باشد که در ماده ۶۲۳ ق.ق. و ۱۷۸ ق.ج آمده است. دادگاه مکلف است طبق سازش طرفین، سازش نامه تنظیم نماید و سازش نامه ای که فقط بین طرفین و قائم مقام آنان لازم الاتباع است نه نسبت

به ثالث. سازش نامه از نظر شکل و صورت مانند رأی دادگاه است و قرارداد قضایی، گزارش اصلاحی یا قرار مصالحه نامیده می شود؛ بنابراین سازش نامه از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قراردادها است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق نظری است و به صورت تطبیقی و مقایسه ای با مطالعه و بررسی دقیق منابع معتبر و قوانین مربوطه در حقوق ایران صورت می پذیرد. در ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه ای از قبیل بررسی های کتابخانه ای، مطالعه منابع مختلف نوشتاری اعم از کتاب، مقاله و رساله های دانشجویی کلیه اطلاعات و منابع موجود در این زمینه را جمع آوری و بررسی نموده، سپس با قوانین و مقررات موجود ایران در زمینه موضوع تحقیق و مقایسه آن با ضوابط و مقررات بین المللی بررسی و مقایسه شده است. در این تحقیق با استفاده از روش های استدلال و تحلیل منطقی به تشریح و توزیع مفاهیم اولیه و نظرات موجود پرداخته و با دسته بندی آرا و استدلال ها به تبیین آن ها می پردازیم سپس با مقایسه نظرات و بررسی و نقد آن به یک نتیجه گیری منطقی دست می یابیم.

مزایای داوری

امروزه با توجه به موانع مختلف مانند تشریفات طولانی و پیچیده دادگاه ها، هزینه های زیاد دادرسی، وجود قوانین دست و پاگیر، بسیاری از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی، ترجیح می دهند که برای حل اختلافات خود به داوری تمسک جویند که البته علاوه بر موارد مذکور در داوری بین المللی موارد ذیل موجب استفاده از داوری در حل و فصل اختلافات می شود (مدنی، ۱۳۸۲: ۳۶).

الف) سری بودن داوری

اغلب تجار تمایل دارند که اختلافاتشان برای عموم آشکار نشود. در داوری برخلاف رسیدگی قضایی این امکان وجود دارد که موضوع به خارج درز نکند و اغلب آرای داوری در هیچ یک از نشریات درج نمی شود مگر در مجلات تخصصی و آن هم قسمتی از آرای داوری که به اصول کلی حقوق مربوط می باشند. آرای داوری رویه قضایی ایجاد نمی کنند و نظر داوری نمی تواند در دعوی دیگری مورد استفاده قرار گیرد چرا که هر دعوی مطابق با ماهیت خود و با کمترین تشریفات مورد بررسی قرار می گیرد و حکم صادره نیز علنی نمی شود.

ب) انتخاب شخص متخصص

از مزایای دیگر داوری، انتخاب شخصی است که علاوه بر آگاهی به مسائل حقوقی به امور تجاری نیز آشناست؛ زیرا داور در جریان داوری به دانش و تجربه خود متکی است و نیازی نیست که در مورد حرفه بخصوص، عرف تجاری و یا معنای اصطلاحات فنی، توضیحی به وی داده شود در حالی که قضات اکثراً تنها از حقوقدانان هستند (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

ج) هزینه داوری

از دلایل و مزایای دیگر مراجعه به داوری، کم خرج بودن آن است. میزان هزینه بستگی به مدت زمان صرف شده توسط مشاوران حقوقی، شهود، اهل خبره و حجم کار دارد. اغلب دعاوی تجاری بین المللی با خواسته بالا مطرح می شوند. داوری بهترین وسیله برای احتراز از پرداخت هزینه های گزاف دادگستری برای رسیدگی به دعاوی مالی است (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

د) عدم اعتماد طرفین به دادگاه های داخلی یکدیگر

در بیع بین المللی، خریداران و فروشندگان از کشورهای مختلفی هستند که مایل به حاکمیت قانون کشور طرف مقابل به حل و فصل اختلافات خود نمی باشند. امروز در اکثر قراردادهای تجارت بین المللی، مراجعه به داوری به عنوان تنها وسیله حل و فصل اختلافات میان طرفین پیش بینی می شود.

ه) عدم نیاز به وکیل

برخلاف رویه مرسوم در مراجع قضایی کشورهای اروپایی و آمریکایی و حضور وکلای مدافع طرفین در محاکمات، در داوری که معمولاً نحوه رسیدگی و قانون حاکم را طرفین معین می کنند، طرفین مدارک لازم و لوائح مربوطه را خود به داور ارائه کرده و صرفاً با او در ارتباطند و عمدتاً رسیدگی و جریان داوری بدون حضور وکیل انجام می شود (مدنی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

و) انتخاب آزاد زبان داوری

از مزایای دیگر داوری این است که طرفین در انتخاب زبان داوری از آزادی کاملی برخوردارند. این زبان می تواند زبان کشور یکی از طرفین معامله یا زبان کشوری که داوری در آنجا جریان دارد یا زبان دیگر، مورد توافق طرفین باشد (واحدی، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

اشکال داوری

الف) داوری موردی یا خاص

توافقی است که طرفین اختلافات حاصله و موجود خود را، به یک یا چند داور خاص بدون توسل و استفاده از خدمات و تسهیلات مراکز داوری، ارجاع می دهند در چنین فرضی، داور پس از انتخاب شدن، به سرعت داوری را انجام و با صدور حکم، داوری خاتمه یافته تلقی می گردد. این گونه داوری ها که به طور اتفاقی و برای حل اختلاف یا اختلافات معینی به وجود می آید به داوری موردی معروف است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۷: ۱۳).

ب) داوری سازمانی

در موضوع داوری جهت ایجاد تسهیلات، سازمان هایی متعددی با عنوان سازمان های داوری بین المللی به وجود آمدند. در صورتی که طرفین داوری قبلاً روش رسیدگی و صدور حکم در باب اختلافات خود را از طریق شرط ارجاع به داوری و تابع مقررات مجدداً از طریق یک قرار مجدد اقدام به تکمیل کمبودهای شرط و قرارداد قبلی می کنند. اغلب از مقررات سازش و داوری دیوان اتاق تجارت بین الملل ۱۹۵۵، مقررات کنوانسیون سال ۱۹۵۶ لاهه، مقررات کنوانسیون شناسایی و اجرای داوری خارجی نیویورک ۱۹۵۸، قانون نمونه درباره داوری تجارب بین المللی آنسیترال Uncitral ۱۹۶۵ مقررات موضوع کنوانسیون ۱۸ می ۱۹۶۵ بانک بین المللی ترمیم و توسعه، مقررات کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری های بین دولت ها و اتباع و دولت های دیگر واشنگتن ۱۹۶۵ استفاده می شود.

شرایط لازم قبل از تنظیم قرارداد داوری

۱. اهلیت طرفین قرارداد

برای اینکه قرارداد داوری در ایران معتبر تلقی شود طرفین قرارداد باید برای ارجاع دعوی اهلیت داشته باشند. در ماده ۲ قانون داوری تجاری بین المللی مقرر شده که کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که اهلیت اقامه دعوی دارند می توانند دعوی خود را از طریق داوری حل و فصل کنند و اگر بعداً مشخص شود که یکی از طرفین قرارداد داوری، فاقد اهلیت بوده است قرارداد داوری به حکم دادگاه باطل می شود.

شکل و فرم قرارداد داوری

۱. کتبی بودن قرارداد داوری

۲. مستقل یا وابسته بودن قرارداد داوری

ماده ۷ قانون داوری تجاری بین المللی مقرر می دارد:

«موافقتنامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول کند. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود».

۲. مستقل یا وابسته بودن توافق داوری

توافق بر داوری معمولاً به صورت شرط ضمن عقد و یا در یک قرارداد مستقل صورت می‌گیرد. در صورت اول طرفین در ضمن قرارداد اصلی، ارجاع به داوری را به عنوان یکی از شروط ضمن عقد تنظیم می‌کنند که براساس آن کلیه اختلافات خود را به داوری ارجاع کنند. در اینصورت توافق بر داوری، پاره ای از قرارداد اصلی را تشکیل داده و همانند بقیه شروط قرارداد، رعایت آن الزامی خواهد بود. امروزه اکثر قراردادهای تجاری بین المللی حاوی شرط ارجاع به داوری است که یکی از بندهای قرارداد اصلی را تشکیل می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

داوری داخلی یا بین المللی

تفکیک دو قسم داوری به داخلی و بین المللی اهمیت خاص دارد به ویژه آنکه بعضی سیستم های قضایی برای دادگاه اختیارات بیشتری در کنترل داوری داخلی، نسبت به داوری بین المللی قائل هستند و از طرفی تعارض قوانین غالباً و منحصرأ در داوری بین المللی مطرح می‌شود (ژان دوپویی، ۱۳۷۹: ۲۳۴).

تعریف داوری بین المللی در بند (ب) ماده ۱ ق. د. ت. ب. چنین آمده است: «داوری بین المللی عبارت است از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقت نامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد». تعریف فوق جامع نیست چرا که در بردارنده تمامی عناصری که وجود هر کدام از آنها به تنهایی باعث بین المللی شدن داوری می‌گردد، نیست.

انواع داوری بر حسب زمان انعقاد موافقت نامه داوری

حقوقدانان داوری را بر حسب انعقاد موافقتنامه داوری و تعیین داور و یا به عبارتی بر حسب زمان بروز منازعه و اختلاف به دو نوع داوری، یعنی داوری قبل از بروز اختلاف و داوری بعد از بروز اختلاف تقسیم نموده اند. چنانچه در مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ ق. آ. د. م. آمده است، «متعاملین و یا متداعیین می‌توانند موافقت نامه داوری یا شرط داوری و قواعد آن را به همراه تعیین داور یا داوران قبل از بروز اختلاف و به همراه قرارداد اصلی منعقد نمایند و یا اینکه بعد از بروز اختلاف و حتی طرح در محاکم عمومی و در هر مرحله ای از دادرسی اقدام به توافق بر روی داوری نمایند.»

داوری اختیاری و اجباری

اصل در مراجعه به داوری بر تراضی و اختیاری بودن آن است و مؤید این مطلب تأکید قانونگذار بر تراضی در ماده ۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب است و ماده ۴۵۴ ق. آ. د. م. می‌باشد که گفته است تمامی اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی منازعه خود را به داوری بسپارند. معمولاً داوری اختیاری بر مبنای قرارداد مستقل یا شرط داوری است که به موجب آن طرفین، توافق بر حل منازعه فعلی یا آتی خود از طریق داوری می‌نمایند و این توافق در حکم قانون داوری و لازم الاتباع می‌باشد (شمس، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

داوری سازمانی و موردی یا خاص

پیش از این گفته شد که اصل در مراجعه به داوری و انعقاد موافقت نامه داوری ارادی و بر مبنای تراضی است به طریق اولی باید گفت برای متداعیین هم در انتخاب و استفاده از نوع داوری حق گزینش وجود دارد، مثلاً متداعیین می‌توانند داوری خود را به یک مؤسسه داوری مانند اتاق بازرگانی بین المللی بسپارند. داوری نهادی یا سازمانی پدیده ای نو و ضروری برای مدیریت داوری است، به عبارت واضح در داوری سازمانی، مؤسسه تدوین کننده قواعد داوری، علاوه بر تنظیم مقررات داوری خدمات اداری لازم را تدارک و بر اجرای قواعد داوری نظارت می‌کند (عبده بروجردی، ۱۳۱۱: ۱۲۳).

داوری براساس قواعد فراملی در حقوق ایران

در بحث داوری در حقوق ایران دو قانون، قابل توجه و حائز اهمیت است. نخست مقررات باب هفتم قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و دوم قانون داوری تجاری ایران مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶. قانون نخست را بایستی قانون عام داوری و قانون دوم را قانون خاص و ناظر به داوری تجاری بین المللی بدانیم.

الف- قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی

مقررات داوری قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به داوری های داخلی است و طبیعی است که مقرراتی در خصوص قانون حاکم بر داوری در این قانون به چشم نخورد؛ زیرا اصولاً ماهیت اختلاف در این موارد تابع قوانین ایران است. به موجب ماده ۴۸۲ قانون آئین دادرسی مدنی، «رای داور بایستی موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد». در غیر این صورت با عنایت به بند ۱ ماده ۴۸۹ همین قانون قابل ابطال است. تنها در ماده ۴۸۳ این قانون پیش بینی شده است که «در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد، معتبر و قابل اجراست»

ب- قانون داوری تجاری بین المللی

قانون داوری تجاری بین المللی براساس قانون نمونه آنسیترال تهیه شده است. نوآوری های این قانون که هماهنگ با گرایش های جدید در داوری بازرگانی بین المللی و قابل مقایسه با مقررات جدید داوری در کشورهای دیگر و در سطح جهانی است، قابل ستایش است، هر چند که اشکالات و نارسائی هایی هم در آن دیده می شود که بیشتر نتیجه عدول از قانون نمونه آنسیترال است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

اجرای آرای داوری خارجی مبتنی بر قواعد فراملی

پس از سال ها بحث و گفتگو در خصوص اجرای آراء داوری خارجی در ایران بالاخره کشور ما نیز در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۱ به کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی نیویورک، ملحق گردید، لذا کلیه مطالب مذکور در خصوص اجرای آرای داوری خارجی براساس کنوانسیون نیویورک که به آنها اشاره شد، در مورد حقوق ایران نیز مصداق پیدا می کند. در خصوص مسئله استثناء نظم عمومی نیز بایستی به بند ۲ ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی توجه نمائیم که آراء داوری را «در صورتی که مفاد رای مخالف با نظم عمومی یا اخلاف حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.» اساساً باطل و غیر قابل اجرا می داند. مفهوم نظم عمومی به ویژه در حقوق ایران مفهومی مبهم است.

رابطه دادگاه و داوری

آیا دادگاه پیش از داوری حق دخالت دارد یا خیر؟ در بسیاری از موارد ممکن است طرفین دعوا در اصل موضوع یعنی ارجاع یا عدم ارجاع به داوری اختلاف نظر داشته باشند. به عنوان مثال یکی از طرفین مدعی بی اعتباری قرارداد داوری می شود و یا مدعی است که وجود شرط داوری یا عدم وجود شرط داوری باید بنا به دلایل قانونی باشد و یا امکان دارد در تعیین شخص داور اختلاف نظر داشته باشند.

حدود مداخله دادگاه در روند داوری قبل از شروع رسیدگی داوران

رابطه متقابل دادگاه و داوری، قبل از شروع رسیدگی داوران، اصولاً از زمانی شروع می شود که یکی از طرفین، اختلافات حادث شده بین خود و طرف مقابل را، به داوری ارجاع می دهد؛ با این ادعا که بین او و خواننده دعوا، توافقنامه معتبری مبنی بر ارجاع اختلاف به داوری، منعقد گردیده است. از همان ابتدا، طرف مقابل ممکن است حقیقتاً و یا به منظور ایجاد اخلال در روند داوری، مدعی شود که اصولاً توافقنامه داوری وجود ندارد؛ یا اگر وجود دارد، بی اعتبار است؛ یا نصب داوران و یا تعویض آنها ضروری باشد و از این جهت ضرورت مداخله دادگاه در روند داوری را ایجاب نماید (مصلحی، ۱۳۸۴: ۲۸۲-۲۴۹).

نقش دادگاه در خصوص توافقنامه داوری

توافقنامه داوری، یا قرارداد داوری، بدین گونه تعریف شده است: «قرارداد داوری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند نفر توافق می کنند که اختلافات مربوط به روابط خود را برای رسیدگی و حل و فصل به یک یا چند شخص ارجاع دهند». از لحاظ درج قرارداد داوری در متن قرارداد اصلی، توافقنامه داوری را می توان به دو دسته تقسیم بندی نمود: قرارداد داوری به صورت مستقل و شرط داوری (به عنوان شرط ضمن قرارداد اصلی). در قرارداد داوری به صورت مستقل، طرفین با انعقاد یک قرارداد ویژه، اختلاف خود را به داوری ارجاع می دهند. معمولاً این در صورتی است که اختلاف حادث شده است. در صورتی که در قسم دوم، طرفین اختلاف آتی و احتمالی خود را به عنوان شرط ضمن عقد مندرج در قرارداد اصلی، به داوری ارجاع می دهند. حال اگر یکی از طرفین وجود توافقنامه داوری را انکار نمود، این سؤال پیش می آید که تکلیف چیست؟ و در این وصف نقش دادگاه به چه طریقی ایفا می گردد؟ در پاسخ به این سؤال، باید تفکیک قایل شد بین موردی که داوری توسط نهاد سازمان یافته ای که برای این منظور تشکیل شده است و به داوریهای سازمانی معروف است، صورت می گیرد؛ با موردی که داوری به صورت اتفاقی انجام می شود و به آن در وضعیتی که داوری توسط یک نهاد سازمان یافته انجام می شود و به قول دیگر، در داوریهای سازمانی، نقش دادگاه در احراز وجود توافقنامه داوری بسیار محدود است، زیرا سازمان مورد بحث خود دارای ارگانی به منظور رسیدگی به این موضوع است.

نقش دادگاه در تضمین اصول اجباری دادرسی و تحصیل دلایل

اصول اجباری و نقش دادگاه در تضمین آنها

در داوری همه امور مبنی بر تراضی است از جمله شیوه داوری یا به عبارتی آئین دادرسی در داوری هم مثل اصل داوری قابل توافق و تراضی است، اما علی رغم این حاکمیت اراده، اصولی وجود دارد که عدم رعایت آنها ممکن است خدشه به داوری وارد نماید، از همین رو قانون داوری تجاری بین المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ بعضی از این اصول را برشمرده و برای آنها ضمانت اجراهایی از قبیل ابطال رأی و یا عزل داور در نظر گرفته است که اجمالاً عبارتند از:

- ۱- اصل ابلاغ به موقع
- ۲- اصل رعایت حق دفاع و تناظر
- ۳- اصل استقلال و بی طرفی داور

نقش دادگاه در تحصیل دلایل مورد نیاز داوری

در خصوص نقش دادگاه در تحصیل دلایل مورد نیاز داوری گفته شد که در قواعد و مقررات مربوط به داوری داخلی، فرآیندی جهت تحصیل دلایل مورد نیاز داوری توسط دادگاه پیش‌بینی نشده است و از طرفی در داوری تجاری علی رغم وجود این فرآیند در داوری های بین المللی و خصوصاً در قانون نمونه آنسیترال قانونگذار ایران از این مسئله غافل مانده است ماده ۲۷ قانون نمونه آنسیترال مقرر می دارد. «دیوان داوری، یا هر کدام از طرفین با در دست داشتن موافقت دیوان داوری، می تواند از هر دادگاه صلاحیت دار این کشور درخواست کند که در مورد تحصیل دلیل مساعدت نماید. دادگاه می تواند در چارچوب صلاحیت خویش و با رعایت مقررات خود درباره تحصیل (جمع آوری) دلیل این درخواست را اجابت و اجرا کند.»

نقش دادگاه در جرح و سلب صلاحیت داوران

برای صحت برگزاری جریان داوری ضمانت اجراهای گوناگونی وجود دارد از جمله ابطال آراء داوری و ...، یکی از این ضمانت اجراها امکان جرح و سلب صلاحیت داور است، به عبارتی امکان جرح و سلب صلاحیت از داور، از ارکان لازم برای تأمین صحت و سلامت روند داوری می باشد و اصحاب دعوا می بایست مطمئن باشند که اختلاف آنها در یک مرجع مستقل و بی طرف مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. جرح عبارت است از اعتراض به صلاحیت و شایستگی داوران و یا ادعای فقدان شرایط مورد نظر در داور منتخب. برای هر داور حصول اطمینان نسبت به این امر که نقش و موقعیت رسمی وی کاملاً واضح و خدشه ناپذیر است

باید بسیار مهم باشد، داور منتخب باید از همان آغاز کار دقت کند که در هیچ زمانی با یکی از اصحاب دعوا بدون حضور دیگری تماس نداشته باشد و یا به گونه ای عمل نکند که دیگران تصور وجود چنین تماسی را بنمایند (کلانتریان، ۱۳۷۴:۱۲۹).

فقدان اهلیت داور

در قانون نمونه آنسیترا ل و قانون داوری تجاری بین المللی ایران در خصوص اینکه سن معاملاتی یا اهلیت برای داور نیاز است یا خیر، چیزی ذکر نشده است، اما همان گونه که در قواعد داوری داخلی اغلب کشورها از جمله ایران آمده است اصحاب دعوا هر چند با تراضی حق ندارند افراد فاقد اهلیت قانونی را به عنوان داور تعیین و معرفی نمایند چنانچه ماده ۴۶۶ قانون آئین دادرسی مدنی می گوید: اشخاصی زیر را هر چند با تراضی نمی توان به عنوان داور انتخاب نمود: اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند. بنابراین علی رغم سکوت قانونگذار در قانون داوری تجاری بین المللی امکان انتخاب افراد فاقد اهلیت جهت داوری وجود ندارد و در صورت انتخاب از موارد جرح و عدم صلاحیت خواهد بود (مصلحی، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

فقدان شرایط مورد توافق اصحاب دعوا در داور

اصحاب دعوا همان گونه که می توانند داور تعیین نمایند، این امکان را هم دارند که برای داور منتخب شرایطی قرار دهند و یا اینکه بر روی شیوه انتخاب داور تراضی نمایند. چنانکه بند ۱ ماده ۱۱ مقرر نموده است «طرف های اختلاف می توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش داور توافق نمایند...» حتی دادگاه یا نهاد داوری و یا یک شخص حقیقی باشد می بایست شرایط مورد توافق اصحاب دعوا در خصوص تعیین داور را رعایت نماید مؤید آن بند ۴ ماده ۱۱ قانون مذکور است «مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقت نامه برای تعیین «داور» مقرر داشته اند رعایت نموده و استقلال و بی طرفی «داور» را ملحوظ نماید...».

- فقدان استقلال و بی طرفی داور

گفته شد که داور باید رفتار مساوی با طرفین داشته باشد و اصل استقلال و عدم جانبداری را به طور مستمر و در طول جریان روند داوری رعایت نماید. استقلال و بی طرفی هر چند با هم استعمال می شود اما با هم تفاوت دارند چرا که استقلال زمانی مطرح است که داور ارتباط قبلی یا فعلی تجاری و یا اجتماعی با یکی از اصحاب دعوی داوری داشته مثلاً مشاور حقوقی آن است، در حالی که منظور از بی طرفی عدم اظهارنظرهای حقوقی نسبت به یک مسئله می تواند باشد. به هر حال اگر داور استقلال و بی طرفی خود را رعایت ننماید قابل جرح خواهد بود چنانچه بند ۱ ماده ۱۲ می گوید: «داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است نباشد...» (شمس، ۱۳۸۷: ۵۷).

دخالت دادگاه پیش از اجرای رأی داور

در این فرض دخالت دادگاه به صورت رسیدگی به اعتراض به رأی داور تظاهر و نمود پیدا می کند. بر طبق ماده ۴۹۰ قانون آئین دادرسی مدنی، هر یک از طرف های اختلاف حق دارند در مواردی، به رأیی که داور صادر کرده است، اعتراض کنند. البته، آن ها برای اعتراض به رأی مهلت مشخصی دارند به این توضیح که زمانی که داور رأی خود را صادر کرد، این رأی به طرف های اختلاف ابلاغ می شود تا از آن مطلع شوند. کسی که رأی به او ابلاغ شد از تاریخ ابلاغ، بیست روز و در برخی موارد، دو ماه فرصت دارد که اگر می خواهد به دادگاه برود و به رأی داور، اعتراض کند (مردانی و بهشتی، ۱۳۸۵: ۳۸۴، ۳ و صدر زاده افشار،

۱۳۸۲: ۴۱۷). اعتراض، به مفهوم حمله طرف بازنده (محکوم علیه) به صحت و اعتبار حکم صادره توسط مرجع داوری با هدف ابطال تمام یا بخشی از آن است (مصلحی، ۱۳۸۴: ۲۷۰).

در صورت تسلیم به موقع درخواست صدور حکم به بطلان رأی داور، دادگاه با تکلیف به رسیدگی مواجه نیست. برابر ماده ۴۹۲ قانون آئین دادرسی مدنی طرح درخواست ابطال رأی داور در خارج از موعد مقرر موجب صدور قرار رد درخواست می گردد. چنانچه ارجاع به داوری حسب ماده ۴۹۱ از طریق دادگاه باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به اصل دعوای ارجاعی به داوری تا قطعی شدن حکم به بطلان رأی داور متوقف خواهد شد. ضمناً، اعتراض به رأی داور فاقد اثر توقیفی می باشد مگر اینکه دلایل اعتراض قوی تشخیص داده شود؛ به عبارت دیگر، با وصول اعتراض و وجود دلایل قوی دادگاه قرار توقیف عملیات اجرایی را تا رسیدگی به دادخواست ابطال رأی داور صادر خواهد کرد. نتیجه رسیدگی از دو حالت خارج نیست، در حالت اول تا قطعی شدن رأی صادره، اجراییه مربوط به رأی داور متوقف می ماند. با تأیید تقاضای خواهان ابطال رأی صادره، اجراییه مربوط به رأی داور متوقف می ماند. با تأیید تقاضای خواهان ابطال رأی داور، اجراییه مذکور منتفی و مدعی حق باید در دادگاه صالح دعوای خود را اقامه نماید. در حالت دوم، در صورت صدور حکم رد تقاضای ابطال رأی داور، اجراییه متوقف شده و رأی داور به مرحله اجرا در خواهد آمد (واحدی، ۱۳۸۰: ۳۸۰-۳۷۹). حسب ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده به موجب حکم نهایی بدون اثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا بر می گردد. در نتیجه، مادامی که حکم نهایی نشده عملیات اجرایی قابل اعاده نخواهد بود (امیر معزی، ۱۳۸۷: ۴۸۷-۴۸۶).

دخالت دادگاه در اجرای رأی داور

اجرا رأی آخرین مرحله در جریان داوری است. این واقعیت که رأی داوری همانند تصمیم قضایی الزام آور است مستلزم حد معینی از نظارت دادگاه در خصوص مشروعیت و قابلیت اجرای آن است. چنین نظارتی می تواند هنگام ارزیابی دادگاه از مبانی امتناع از اجرای رأی داور به عمل آید. چنانچه محکوم علیه از اجرای رأی داور سرباز زند قانون با حمایت از اجرای اجباری رأی به آن ضمانت اجرای لازم را می دهد. کنترل قضایی رأی داوری با توجه به انحلال مرجع داوری بعد از صدور رأی نقش مهم دادگاه های دولتی را در جریان داوری مهم و تأثیر گذار جلوه می دهد. علاوه بر اینکه رسیدگی مرجع داوری یک مرحله ای بوده و اساساً مرجع مزبور از قدرت اجرایی برای اجبار طرف ممتنع به اجرای رأی برخوردار نیست؛ بنابراین، تصمیمات آن می باید توسط دادگاه های دولتی به اجرا در آید. در صورت عدم اجرای رأی داور به وسیله محکوم علیه دادگاه مکلف به صدور اجراییه است. این امر زمانی محقق می شود که ذینفع تقاضای اجرای رأی داور را از دادگاه نماید. برای اجرای رأی داور در ابتدا چنین رأیی باید به وسیله نظام حقوقی کشور محل داوری مورد پذیرش قرار گیرد (فریدی، ۱۳۷۳: ۷۵).

قانون آئین دادرسی مدنی در ماده ۴۹۰ به محکوم علیه رأی داوری بیست روز و دو ماه حسب مورد از تاریخ ابلاغ رأی داور مهلت برای اجرای رأی داور داده است. طبق ماده ۴۸۸ در صورت عدم اجرای اختیاری رأی، توسط محکوم علیه ذینفع برای اجرای اجباری رأی می تواند به دادگاه ارجاع کننده دعوای داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مراجعه کند. صدور اجراییه وظیفه دادگاه است. مستفاد از صدر ماده ۴۸۹ که مقرر می دارد: «رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد» این است که تکلیف دادگاه در ترتیب دادن به درخواست اجرای رأی داوری زمانی است که رأی داوری باطل نبوده و قابل اجرا باشد. طبق ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین المللی به جز در موارد استثنایی که در قانون داوری بیان شده (مواد ۳۳ و ۳۴) آرای داوری قطعی بوده و قابل اعتراض نمی باشد و پس از ابلاغ لازم الاجرا خواهد بود. در صورت درخواست کتبی متقاضی از دادگاه صالح (دادگاه موضوع ماده ۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاه های داخلی که نماد حاکمیت قضایی کشور هستند به مورد اجرا گذاشته می شود. بدیهی است که منظور از آرای موضوع قانون مزبور آرای صادره بر اساس قانون ایران است. نتیجتاً، آرای که در خارج از ایران وفق قانون داوری تجاری بین المللی صادر می شوند قابلیت اجرا در ایران را قطع نظر از محل صدور آن دارا می باشند.

نقش دادگاه بعد از رسیدگی و صدور رأی داوری

اصولاً مهم ترین بخش دادرسی اجرای رأی صادره از دادگاه و یا داوری است، چرا که اگر رأی صادره به مرحله اجرا و فعلیت نرسد البته بجز احکام اعلامی به طور خاص مثل اعلام جعلی بودن سند، توسل به مراجع قضایی و یا داوری جهت اخذ رأی، عملی لغو و بیهوده جلوه می نماید، به همین دلیل شاید بتوان گفت که اساسی ترین نقش دادگاه در داوری و در حمایت از آن بعد از صدور رأی داوری و در مرحله شناسایی و اجرای رأی بروز می نماید. اهمیت نقش دادگاه جهت شناسایی و اجرای رأی هنگامی مشخص می شود که به این امر توجه داشته باشیم که داوری فاقد هر گونه قدرت اجرایی است و از قدرت الزام کننده حاکمیت بی بهره. از این رو بعد از صدور رأی داوری دادگاه در سه موقعیت متفاوت اما مرتبط در داوری مداخله خواهد نمود که عبارتند از: ۱. رسیدگی به اعتراضات وارده بر آراء داوری ۲. شناسایی آراء داوری ۳. شناسایی و اجرای آراء داوری اما قبل از ورود به این مباحث ذکر نکاتی در خصوص آراء تصحیحی و یا آراء الحاقی ضروری به نظر می رسد چرا که مداخله دادگاه شامل این دسته از آراء نیز می شود. چنان که در آراء دادگاه های دادگستری احتمال سهو قلم و یا اشتباه محاسباتی وجود دارد و فرآیند تصحیح آن در نظر گرفته شده، در داوری نیز ممکن است که داوران در هنگام صدور رأی مرتکب اشتباه محاسباتی و یا سهو قلم گردند به عنوان مثال خسارت دو میلیون تومانی را دو میلیون ریال ذکر و یا یکی از افراد از قلم افتاده باشد. همچنین یکی دیگر از اشتباهاتی که ممکن است بروز نماید این است که رأی دادگاه نسبت به بعضی از ادعاهای مطرح شده در داوری مسکوت باشد و یا به عبارتی در خصوص یک یا چند خواسته هیچ گونه رأی نفیاً یا اثباتاً صادر نشده باشد. قانون داوری تجاری بین المللی ایران در ضمن ماده ۳۲ قواعدی در این خصوص وضع نموده است «ماده ۳۲ اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی: «داور» می تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا رأساً هر گونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا رفع ابهام کند...» بنابراین رأی تصحیحی یا تفسیری و همچنین رأی الحاقی، تابع رأی اصلی بوده و آثاری که بر رأی اصلی بار می شود بر این رأی هم بار خواهد شد چنان که قسمت اخیر ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ می گوید: «تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رونوشت رأی تصحیحی ممنوع است.» و یا تبصره ۱ ماده مذکور که مقرر می دارد «در مواردی که اصل حکم یا قرار دادگاه قابل واخواهی یا تجدید نظر یا فرجام است، تصحیح آن نیز درمدت قانونی قابل واخواهی یا تجدید نظر یا فرجام خواهد بود.» سؤالی که در اینجا می توان مطرح کرد اینکه اگر داوران بعد از صدور رأی نخواهند و یا نتوانند به هر دلیل رأی تصحیحی و تفسیری و یا رأی الحاقی صادر نمایند چه باید کرد؟ ماده ۳۲ ق. د. ت. ب و حتی قانون نمونه در این خصوص ساکت است.

نقش دادگاه در رسیدگی به اعتراض به رأی داوری

آراء صادره از داوری را، حکم، تصمیم، گزارش و یا نظریه داوری نام نهاده اند و استعمال کرده اند، اما هیچ کدام از این الفاظ تأثیری در اصل ماهیت حقوقی رأی داوری ندارد: هر چند هر کدام از این نام ها با نظر خاصی تعیین شده است. به عنوان مثال نظریه داوران از این حیث استعمال می شود تا گفته شود که تصمیم داوری قطعی نیست. قبل از اینکه وارد بحث اصلی یعنی اعتراض به آراء داوری شویم به صورت گذرا بعضی از آثار مترتب بر رأی داوری را متذکر می شویم (اسدی نژاد، ۱۳۷۸: ۴۸).

شناسایی آراء داوری

هنگامی که از شناسایی رأی داوری بحث می شود منظور این است که به رأی صادره از داوری ارزش و قدرتی همانند با احکام صادره از دادگاه های کشوری اعطاء شود که شناسایی رأی داور در آنجا درخواست شده است. آراء صادره از داوری های داخلی و بین المللی تجاری که در ایران برگزار می شود همچون احکام دادگاه ها با دستور دادگاه و صدور اجراییه معد اجرای رأی می گردد و نیاز به شناسایی به مفهومی که در کنوانسیون نیویورک آمده است ندارد چنان که در بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مذکور آمده است «این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری صادره در قلمرو دولتی غیر از دولتی که از آن تقاضای شناسایی و اجرای احکام مزبور شده است و ناشی از اختلافات بین اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می باشد، اعمال خواهد شد. این کنوانسیون در مورد آراء داوری که در دولتی که از آن تقاضای شناسایی و اجرای آنها شده است. آراء داخل محسوب

نمی شود نیز اعمال خواهد شد.» به همین دلیل قوانین راجع به داوری در ایران قبل از الحاق دولت ایران به کنوانسیون نیویورک، در خصوص شناسایی آراء داوری خارجی ساکت است؛ اما همان گونه که ذکر شد منظور از شناسایی رأی داوری خارجی آن است که دادگاه مرجوع الیه که از او درخواست اجرای رأی شده است قبل از صدور اجراییه، رأی خارجی را هم طراز رأی داخلی بشناسد و احراز و تصدیق نماید که رأی صادره دارای حداقل ارکان و عناصر لازم به عنوان یک رأی قطعی و لازم الاجرا بوده و معد برای اجرا است. اثری که بر این شناسایی بار می شود همان آثاری است که ذکر شده، از جمله اعتبار امر مختوم، قطعیت و غیره و ... به طور کلی شناسایی رأی داوری با شناسایی حکم دادگاه خارجی تفاوتی ندارد و در هر دو دادگاه باید شرایط و ضوابطی را در نظر بگیرد تا بتواند رأی داوری را شناسایی نماید که بعضی از این ضوابط مربوط به مقررات داخلی است مثل نظم عمومی است و بعضی دیگر مربوط به شرایط مورد توافق اصحاب دعوا یا قواعد بین المللی است. در واقع قانونگذار ایران برای شناسایی آراء داوری از یک سیستم مختلط شناسایی بهره می برد و تصمیمی که دادگاه در خصوص شناسایی رأی داوری می گیرد یک تصمیم توافقی نیست بلکه جنبه اعلامی دارد مثل تصدیق انحصار وراثت در امور حسبی.

نتیجه گیری

با عنایت به مباحث مطرح شده در این تحقیق به این مطلب خواهیم رسید که داوری بهترین و کارآمدترین شیوه حل اختلاف بین متخاصمین خصوصاً در داوری های تجاری بین المللی است و از طرفی داوری بدون مداخله دادگاه نمی تواند یک فرایند موفق را طی نماید هر چند پیشرفت داوری در راستای به حداقل رساندن این مرحله است، اما تصور اینکه داوری بدون مداخله دادگاه باشد نه معقول و نه به نفع داوری است به این دلیل که تصور داوری بدون مداخله دادگاه به دو گونه ممکن است:

- ۱- داوری بدون داشتن هر گونه اهرم فشار جهت اجرای دستورات و قرارهای ضمن دعوی (در جریان داوری) و اجرای حکم
- ۲- داوری با فرض داشتن یک قوه قهریه و کارآمد جهت اجرای رأی داوری.

در هنگام اجرای رأی داوری اگر محکوم علیه رأی داوری را طوعاً اجرا ننماید و قائل به عدم مداخله دادگاه هم باشیم چون داوری دارای یک قوه قهریه و حاکمیتی جهت اجرای رأی نیست تمام زحماتی که برای اخذ این رأی گرفته شد بی ثمر جلوه خواهد کرد چرا که عصاره و ثمره تمامی تلاش ها به نتیجه رسیدن آنها است و در چنین صورتی رأی داوری توصیه نامه ای بیش نخواهد بود، هر چند در روابط تجاری بین المللی امکان مجازات های از قبیل اعلام نام متخلف در جهت دشوار نمودن انعقاد قرارداد جدید و بیمه وجود دارد؛ اما در صورت دوم که برای داوری اهرم فشار و قوه اجرایی در نظر بگیریم، صرفاً به ایجاد یک نهاد موازی با دادگستری کمک کرده ایم؛ بنابراین راه حل معقول این است که داوری بدون نهاد اجرایی و حاکمیتی در نظر گرفته شود و در هنگام ضرورت، دادگاه مداخله نماید. پس ضرورتاً مداخله دادگاه در امر داوری انکار ناپذیر است اما می توان این مداخله را حتی الامکان کم نمود و در مواردی که قابل واگذاری به نهادهای معتبر داوری است به آنها سپرد ولی در بعضی از موارد مداخله دادگاه غیر قابل انکار است. در واقع مداخله دادگاه در داوری شمشیردو لبه ای است که له یا علیه داوری قابل استفاده است و باید این مداخله مدیریت شود تا حتی الامکان برای داوری به کار گرفته شود و به حداقل نیز برسد.

به عنوان مثال اغلب مداخلاتی که دادگاه در داوری تا هنگام صدور حکم می نماید قابل واگذاری به نهاد داوری است چنانکه می توان مثلاً تعیین حق الزحمه داوری را به نهاد همچون مرکز داوری اتاق ایران سپرد، البته باید متذکر شد که این واگذاری در داوری تجاری بین المللی به دلیل وجود این گونه نهاد ها در دسترس است اما در داوری های داخلی چنین نهادهای کمتر دیده می شود که پیشنهاد ایجاد و فراگیر شدن مرکز داوری اتاق ایران در سراسر کشور به توسعه این امر می تواند کمک شایانی نماید. از نگاه دیگر در تمامی مراحل داوری تجاری بین المللی، مداخله دادگاه بیشتر از داوری داخلی است. خصوصاً در مرحله اجرای رأی، چرا که اجرای رأی یک داور یا نهاد داوری داخلی بسیار سهل تر از اجرای رأی یک داور بیگانه یا نهاد بین المللی یا خارجی داوری است به دلیل اینکه داور یا نهاد داوری داخلی قابل اعتماد تر است و از طرفی در اجرای آرای داوری داخلی، شناسایی رأی داوریمورد توجه نیست. در حالی که در داوری های خارجی یا بین المللی مقدمه اجرایی رأی داوری، شناسایی و اعتبار بخشی به رأی داوری است و بعد از اینکه رأی داوری خارجی یا بین المللی توسط دادگاه شناسایی گردید در صورتی که

رأی صادره دارای شرایط لازم باشد از جمله اینکه مخالف با قوانین آمره و اخلاق حسنه و نظم عمومی ایران نباشد قابل اجرا است، یعنی در واقع شناسایی مستلزم اجرا نیست. ممکن است ما یک رأی داوری بین المللی را شناسایی نماییم ولی امکان یا نیاز به اجرا آن نباشد از جمله آراء اعلامی، مثل اعلام بطلان سند، بنابراین مداخله دادگاه در داوری های خارجی و بین المللی تجاری هم مورد قبول و هم ضروری به نظر می رسد.

پیشنهادات

۱- در داوری های داخلی اغلب مداخلاتی که دادگاه در داوری تا هنگام صدور حکم می نماید، قابل واگذاری به نهاد داوری است. مثلاً حق الزحمه داوری را می توان به یک نهاد، همچون مرکز داوری اتاق ایران سپرد. پیشنهاد می شود جهت توسعه این امر، مرکز داوری اتاق ایران و نهادهای مشابه در سراسر کشور تشکیل شود.

۲- داوری، برخلاف دادگاه فاقد قوه قهریه است؛ و همین امر باعث مداخلات روز افزون دادگاهها (هر چند برخلاف میل) در امر داوری می گردد. پیشنهاد می شود به داوران اجازه داده شود که قبل از شروع به داوری و صدور رأی، وجه التزام مناسب از طرفین و بخصوص خواننده دعوا گرفته شود تا در صورت لزوم مورد استفاده قرار گیرد؛ که این امر باعث محدود کردن مداخله دادگاهها و رونق هر چه بیشتر داوری را در پی خواهد داشت.

۳- در بند ۲ ماده ۳۴ ق. د. ت. ب آمده است «در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.» اساساً باطل و غیر قابل اجرا می داند. مفهوم نظم عمومی بویژه در حقوق ایران مفهومی مبهم است. بدیهی است که تفسیر نظم عمومی براساس یک مفهوم مضیق، تنها مانعی برای اجرای آراء داوری خارجی که بر اساس قواعد فراملی صادر شده اند، به شمار می آید. پیشنهاد می شود مفهوم نظم عمومی در این قانون را به نظم عمومی بین المللی و قواعد اساسی نظم عمومی ایران، محدود نماید و حتی الامکان از گسترش مفهوم آن بکاهیم.

فهرست منابع و مأخذ:

۱. اسدی نژاد، سید محمد؛ (۱۳۷۸)، داوری تجاری بین المللی، چاپ اول، گیلان، نشر دانشگاه گیلان،
۲. افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۷)، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران و دستاورد در حوزه داوری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۴۴-۱۳.
۳. امیرمعزی، احمد (۱۳۸۷)، داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ اول، انتشارات دادگستر.
۴. پادشاه، محمد (۱۳۳۶)، فرهنگ آندراج، جلد سوم، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه خیام.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ دائرة المعارف علوم اسلامی، جلد ۱ و ۲ و ۳، تهران، انتشارات گنج دانش، بی تا.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، دانشنامه حقوقی، جلد ۳ و ۵، چاپ سوم، تهران، نشر امیرکبیر.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران، گنج دانشم.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۹. جنیدی، لعیا؛ (۱۳۷۸)، نقد و بررسی قانون داوری تجاری بین المللی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. جنیدی، لعیا (۱۳۸۷) «مسئله اجرای آرای داوری ابطال شده»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان، صص ۱۳۷-۱۵۹.
۱۱. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۹)؛ دیوان حافظ، چاپ اول، به اهتمام احمد مجاهد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
۱۳. ژان دوپویی، رنه (۱۳۷۹)، یک رأی داوری و دو نقد، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، تهران، نشر آگه،
۱۴. شمس، عبدالله، (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، نشر میزان،

۱۵. شمس عبدالله، (۱۳۸۲)، موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، صص ۴۳-۱۱.
۱۶. شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات دارک،
۱۷. صدرزاده افشار، محسن (۱۳۷۳)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد ۱ و ۲ و ۳، چاپ دوم، تهران، انتشارات ماجد،
۱۸. عبده بروجردی، محمد (۱۳۱۱)، اصول محاکمات حقوقی، تهران، چاپخانه اتحادیه،
۱۹. فریدی، عراقی، عبدالحمید (۱۳۷۳)، حقوق بین الملل روش هایی مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، چاپ سوم، تهران، وزارت خارجه،
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر،
۲۱. کلانتریان، مرتضی (۱۳۷۴)، مهم ترین نظام های داوری جهان، چاپ اول، تهران، دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران،
۲۲. متین دفتری، احمد (۱۳۳۵)، مجموعه رویه قضایی، بخش حقوقی، تهران، چاپخانه هاشمی، از ۱۳۳۱ تا.
۲۳. متین دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، بخش حقوق جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد،
۲۴. منصور، جهانگیر؛ (۱۳۸۱)، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، چاپ سوم، تهران، نشر داوران،
۲۵. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۲)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، نشر پایدار،
۲۶. مدنی، سید جلال الدین ۱۳۷۹ آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، چاپ اول، تهران، نشر پایدار،
۲۷. مؤمنی، فریدون (۱۳۸۴)، قلمرو شورای داوری، چاپ اول و دوم، تهران، گنج دانش،
۲۸. مردانی، نادر و بهشتی؛ محمدجواد، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، نشر میزان.
۲۹. مصلحی، جلال (۱۳۸۴)، حدود مداخله دادگاههای ملی در روند داوری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۶ و ۱۵، صص ۲۸۲-۲۴۹.
۳۰. مصلحی عراقی، حسینعلی و صادقی، محسن (۱۳۸۵)، بررسی جریان رسیدگی در شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۴.
۳۱. واحدی، جواد (۱۳۷۲)، ابلاغ رأی داور، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۰، صص ۱۶۳-۱۳۷.

Investigating the Court Intervention in Arbitration in Iranian law

Rouhollah Ansari^{*1}, Ali Pur Javaheri², Ghavam Karimi³

1. *Ph.D. Student of Private Law, Islamic Azad University, Yasuj Branch*

2. *Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Yasuj Branch*

3. *Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Yasouj Branch*

Abstract

Judgment is dispute resolution current or future without intervention of forcible strength or same official authorities on holding and performance it. But imagine judgment institution without forcible strength, or imagine judgment without a court is not so pleasant. With the assumption performance judgment has declined will not be enforceable except moral obligations. In this case, resorting to judgment and trying to obtain a ruling from institution judgment would be futile. After in judgment court intervention is necessary, because the judges' help and assistance in holding and performance court properly judgment and assistance in identifying and implementing of the issue votes from judgment they have need. Courts interference in judgment affair can be pre-judging, during or even after the verdict judgment. At each stage, the intervention may be regulatory or assistance that an important part of courts survey has been form in the judgment process. Intervention court in internal judgments also is broader than international commercial Judgment, judgment without extent of intervention court cannot be survive. But, this intervention should be delimitation and boundaries, otherwise it may become a means to avoid the purpose of referring to judgment. In present research is trying the first to the extent and scope of court intervention in each stage separation, domestic internal judgment and international commercial judgment be investigated and analyzed. Main result of the research will be determining scope of court intervention in judgment affair because main beloved people in reference to judgment is knowledge about amount of court intervention in judgment that how many interventions will be less reference to judgment was more.

Keywords: court intervention, judgment, contracts, qualification.
